

Analysis of the Purposeful Distinction of Modern Islamic Civilization with Western**Civilization in the View of Ayatollah Khamenei**

Received: 2021/07/09

Accepted: 2021/11/05

Majid Ahmadi Kachaei*

(33-51)

Although modern Islamic civilization and Western civilization are similar from various aspects, there are clear differences in the teleological approach between the two civilizations that can be seen in the statements of the Supreme Leader of the Revolution. Accordingly, the important issue in this research is ultimately the civilization of Islam and the West from the viewpoint of Ayatollah Khamenei. The present study was conducted by analyzing and explaining the statements of the Supreme Leader. The findings of the research indicate that the foundations of Islamic civilization are based on monotheism and the denial of polytheism, which will eventually lead to human's servitude ('ubudiyah) in the process of civilization based on the ideals of Islam. In contrast, Western civilization is based on a materialist approach and disregard for divine values. Therefore, building a better world has been the ultimate motivation for the creation of a new civilization in the West. According to the Supreme Leader, materialism itself was the cause and a growing factor in Western civilization. This kind of civilization is being promoted in the world, but its lack of belief in divine and human values will cause its downfall in the near future. From his perspective, the greatest difference between these two civilizational insights is in the teleological approach. In the new Islamic civilization, the theistic approach will cause the servitude of Allah the Almighty which is the goal of creation, to be spread in the society, but in the western civilization, this important issue, which is a natural and basic human need, has not been considered.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Civilization, New Islamic Civilization, Western Civilization.

* . Assistant Professor of Islamic History and Civilization, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran-
majid.ahmadi.313@gmail.com



واکاوی تمایز غایت‌گرایانه تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

مجید احمدی کجایی

(۳۳-۵۱)

چکیده

تمدن نوین اسلامی و تمدن غرب گرچه در برخی ویژگی‌ها همسانی‌هایی دارند، تمایزات آشکاری در رویکرد غایت‌گرایانه میان آن دو تمدن وجود دارد که در بیانات رهبر معظم انقلاب فراوان دیده می‌شود. براین اساس مسئله مهم در این پژوهش سرانجام تمدن اسلام و غرب در نگاه و باور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. پژوهش حاضر با روش تحلیل و توصیف بیانات مقام معظم رهبری صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مبانی تمدن اسلام بر اساس نفی شرک و توحیدمحور سامان یافته است که نهایتاً به عبودیت بشر در روند تمدن مبتنی بر آرمان‌های اسلام منتهی خواهد شد. درمقابل استواری تمدن غرب بر اساس رویکرد مادی‌گرایانه و عدم توجه به ارزش‌های الهی است. ازاین‌رو ساخت دنیای بهتر انگیزه غایی ایجاد تمدنی نو در غرب بوده است. به باور مقام معظم رهبری، دنیاگرایی خود عاملی روبه‌رشد در تمدن غرب بود و موجب شد این تمدن در جهان پیش‌ران شود، اما عدم باورداشت به ارزش‌های الهی و انسانی خود عامل سقوط آن در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد شد. در نگاه ایشان، مهم‌ترین وجه تمایز میان این دو بینش تمدنی در رویکرد غایت‌گرایانه است. در تمدن نوین اسلامی، رویکرد خداپاورانه سبب خواهد شد عبودیت به خداوند متعال که هدف از خلقت بوده است در جامعه گسترانیده شود، اما در تمدن غرب این مهم که نیاز فطری و اساسی بشر بوده، مورد توجه قرار نگرفته است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن، تمدن نوین اسلامی، تمدن غرب.

مقدمه

تمدن در لغت به معانی گوناگونی وارد شده که مهم‌ترین آن تمدن به معنای شهرنشینی و اقامت در شهر است. فرهنگ‌های لغت زندگی متمدن در برابر زندگی بربرهای وحشی را که فاقد زندگی شهرنشینی بوده‌اند وجه تمایز دنیای متمدن با غیر آن دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۰۳؛ معین، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۱۳۹).

معنای اصطلاحی تمدن پرشمار می‌باشد. جامعه‌پذیری و نظم‌پذیری یا برقراری نظم اجتماعی برای همکاری و تعاون میان انسان‌ها و زمینه برای پذیرش یک فرهنگ را می‌توان از جمله شرح صحیح اصطلاح این واژه دانست. از این نگاه تمدن یعنی زندگی با یکدیگر همراه با نظم، که بر اثر خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود (بیگدلی، ۱۳۷۷: ۴۲۵). برخی دیگر تمدن را امری تک‌بعدی نمی‌دانند، بلکه آن را مجموعه‌ای متأثر از دارایی‌ها و ذخایر مادی و معنوی یک ملت می‌دانند. از این رو می‌توان به تعامل و ارتباط هر تمدن با مؤلفه‌های غیرمادی در کنار مؤلفه‌های مادی و تأثیرگذار این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری یک تمدن پی برد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی گوناگونی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کرده و آنها را جداگانه به کار برده‌اند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده [است]. فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد.» ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف تمدن چنین بیان می‌کنند: تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی و با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی (گفت‌وشنود با جمعی از نوجوانان و جوانان در تاریخ ۱۳۷۶).^۱

از نظر نگارنده تمدن اسلامی محصول فرهنگ اسلامی است که بن‌مایه‌های آن ریشه در داده‌های وحیانی دارد و تغییرناپذیر و دارای اصولی ثابت است که البته با نظم و تجربیات بشر همراه می‌باشد.

۱. این تعریف از تمدن، در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

از آنجاکه تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر جایگاه ویژه دارد، در این نوشتار برخی از شاخصه‌های تمایز تمدن اسلام با تمدن غرب از نگاه ایشان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. براین اساس مسئله این پژوهش این است که سرانجام تمدن اسلام و غرب در نگاه و باور رهبر انقلاب به چه مثابه است؟ به عبارت دیگر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه ویژگی‌هایی را به‌عنوان بنیادی‌ترین عناصر در غایت‌نگری دو تمدن رقیب می‌دانند. این مهم از آنجا اهمیت دوچندان می‌یابد که تقابل در همه عرصه‌های نظری و عملی دو تمدن مذکور، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. از آنجاکه ایجاد تمدن نوین اسلام در ایران از دل مشغولی‌های مهم رهبر ایران، به‌عنوان سیاست‌مداری اندیشمند ظهور و بروز فراوان داشته، شناخت ماهیت غایت‌گرایانه دو تمدن مذکور هدف نگارش این مقاله است.

پژوهش درباره تمدن اسلامی در چند دهه اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای فزونی داشته است. پژوهش‌های روشمند درباره آرا و اندیشه رهبر انقلاب راجع به تمدن نوین اسلامی و شاخص‌های آن نیز در حال گسترش است. در این زمینه مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (عجالت‌الله‌به)»، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (عجالت‌الله‌به)» و «کارویژه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (عجالت‌الله‌به)». در عین حال پژوهشی پیرامون شاخصه غایت‌گرایانه دو تمدن اسلام و غرب صورت نگرفته است.

در این نوشتار، نخست به اجمال به مبانی تمدن اسلامی با رویکرد تمدن نوین در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای توجه می‌شود و در تمایزات در ابتدا به چگونگی شکل‌گیری تمدن غرب در مقایسه با تمدن اسلام اشاره، و سرانجام به تمایز در هدف دو تمدن که مهم‌ترین بخش نوشتار کنونی است، پرداخته خواهد شد.

مبانی تمدن اسلامی

در بیان مبانی تمدن اسلامی می‌توان گفت که همه مؤلفه‌های این‌گونه از تمدن بر محور ارزش‌های ارائه‌شده از دین اسلام استوار است. از این‌رو تمدن اسلامی بر همه ویژگی‌های داده‌های وحیانی (قرآن و حدیث معصوم) متکی است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین و مقررات است (جان‌احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲).

توحید و خداباوری

باور به خداوند متعال به عنوان بخشی انفکاک‌ناپذیر از جوهر انسان‌هاست که از آن در قرآن تعبیر به فطرت شده است. سیری در محتوای برخی آیات قرآن حاکی از آن است که خدامحوری شاخصه اصلی و بنیاد تمدن اسلامی است. رهبر معظم انقلاب نیز خداباوری و ایمان به پروردگار عالم را نقطه اصلی و پایه‌گذار در تمدن اسلامی برمی‌شمرند. گرچه ایشان ایمان را به معنای عام در نظر گرفته‌اند که می‌تواند بر مصادیق گوناگونی حمل شود و اختصاص به اسلام ندارد، در اسلام ایمان به معنای باورمندی به خداوند متعال است که در همه عرصه‌ها خود را نشان خواهد داد، و در این باره چنین می‌فرمایند:

یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان مهم است؛ ایمان به یک اصل؛ ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد. یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. بنابراین از آنجاکه بنیاد اصلی تمدن اسلامی خدامحوری و اسلامیت آن است، لذا تقرب بیشتر به این شاخصه و صیانت افزون‌تر از آن نیز شرط اصلی اعتلای مجدد تمدن نوین اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

قرآن محوری

به نظر می‌رسد بنیان تمدن اسلامی باید بر اساس قوانین و احکام الهی که برگرفته از قرآن است شکل گیرد و نمی‌توان شالوده اصلی تمدن اسلامی را از بنیان‌های آن جدا کرد. در همین زمینه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای

تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانک‌داری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. همین موضوع سبب شده تا عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی باشد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۶).

علم‌محوری

تأکید بر علم‌آموزی و علم‌محوری یکی از فرمایش‌های مهم رهبر در سه دهه اخیر است و فراگیری آن را حتی از دشمنان بلامانع می‌دانند. البته تأکید بیشتر ایشان بر علم نافع است. به باور ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است (العَلْمُ سُلْطَان) و صاحب علم جامعه را قدرتمند می‌سازد و اساساً قدرت کنونی غرب را اساس دستیابی ایشان به علم می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار نخبگان جوان علمی در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۶).

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که پس از فراگیری علم باید به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان رجوع به عقل با پشتوانه وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به باور ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی

گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۹).

بنابراین بر اساس اندیشه رهبر علم با ارزش است و از عواملی که ارزش علم را بیشتر می‌کند، این است که علم با غایت و هدف‌های مشخصی که طبق نیازها تنظیم شده است، به طرف پیشرفت و توسعه سیر کند. بدون شک علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲). بنابراین رهبر معظم، استفاده منطقی از علم و تجربه بشری را لازم می‌شمارند، اما کافی نمی‌دانند و تأکید فراوان بر بومی‌سازی علوم دارند.

نظام‌سازی

رهبر فرزانه انقلاب برای رسیدن به تمدن اسلامی، مراحل چندگانه‌ای به‌تصویر می‌کشند که اولین مرحله آن ساخت نظام‌واره است که به تدریج و درنهایت باید به دنیای اسلامی ختم شود. ایشان این مهم را چندمرحله‌ای می‌دانند و آن را چنین تشریح می‌کنند: «مرحله اول ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود، لیکن این آسان‌ترین بود» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۲). در این مرحله دوران حاکمیت ارزش‌های معنوی آغاز شد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۷). مرحله دوم تأسیس نظام اسلامی است؛ «یعنی هندسه عمومی جامعه اسلامی بشود، که این هم شد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۲)؛ مرحله سوم که از اینها دشوارتر است، ایجاد دولت اسلامی است. دولت، نه به معنای هیئت‌وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. مرحله چهارم بعد از این مرحله، مرحله تالاولو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به‌وجود آمد، آن‌گاه برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: "لتكونوا شهداء علی الناس". "مرحله پنجم، از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به‌وجود می‌آید» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۱).

ایشان دولت اسلامی را آغاز راه برای رسیدن به تمدن اسلامی می‌دانند و پیروزی انقلاب

را پایان راه نمی‌شمارند، بلکه انقلاب را جاری در همه عرصه‌ها می‌دانند که می‌بایست با عنصر بسیار مهم تقوا در همه ارکان جامعه دنبال شود:

دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فراخواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت. نظام انقلابی و اسلامی، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌هایی دارد که تحقق آنها نیازمند شکل‌گیری «دولت انقلابی» است؛ دولتی که ارکان نظام اسلامی را باور داشته باشد.

ایشان با تأکید بر اینکه با عملکرد صحیح دولت اسلامی و انقلابی و محقق شدن آرمان‌ها، «جامعه اسلامی و انقلابی» شکل می‌گیرد، نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی را زمینه‌ساز ایجاد «تمدن انقلابی و اسلامی» می‌دانند. بنابراین انقلاب هیچ‌گاه تمام‌شدنی نیست و همواره ادامه دارد (بیانات امام خامنه‌ای در نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸).

تمایز در غایات دو تمدن اسلام و غرب

تمدن غرب با تمام مشکلاتش، امروزه به‌عنوان داعیه‌دار تمدن است. این امر با پیدایش جریان‌های نوپای اسلامی با چالشی جدید مواجه شده است. به‌نظر می‌رسد با قدرت گرفتن تمدن نوین و نوپای اسلامی دوران افول تمدن غرب نیز شتاب خواهد گرفت. این امر به‌خصوص با انگاره‌های مسلمانان که سرانجام جهان را گره‌خورده با مردی از تبار پیامبرشان می‌دانند و بر این باورند که انتهای جهان از آن تمدن مهدوی ﷺ خواهد بود سازگارتر است. براین اساس تمدن جدید تمایزاتی با تمدن غرب دارد، که همین امر سرانجام از جذابیت‌های تمدن غرب خواهد کاست. یکی از آن موارد چگونگی ساخت این دو تمدن است و دیگری هدف غایی آن دو خواهد بود که به‌طور کامل با یکدیگر تعارض دارند.

تمدن غرب وام‌دار تمدن اسلامی

در نگاه رهبر انقلاب، آغاز تمدن غرب با وام‌گیری از دانش چشمگیر مسلمانان بوده است

که پیش از آن توانسته بودند در طی چهار سده نخست، بدان دست یابند. پس از آن، غرب در جریان‌های گوناگون و با مراودات مختلف توانست عقب‌ماندگی خود را جبران کند و با غفلت مسلمانان به بازسازی خود همت گماشت و در این راه، از هر وسیله‌ای استفاده کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بیان این فراز تاریخی برای تمدن اسلام، تمدن غرب را وام‌دار نوآوری‌های مسلمانان می‌داند که توجه ایشان تک‌بعدی و منحصر به اصلاح دنیای ایشان بوده است. براین اساس رهبر معظم می‌فرمایند:

یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود، از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند. [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار-پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت، اما خوشبختی انسان‌ها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد؛ به عکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاست‌مدار برجسته غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گوید. این تمدن ظاهر پُرزرق‌وبرقی داشت، اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در امریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه اینها در سراسر دنیا هم یک‌جور (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸).

رهبر انقلاب ضمن به تصویر کشیدن چگونگی پیشرفت تمدن غرب، این تمدن را بر

ویرانه‌های دیگر جوامع می‌دانند که با نابودی و از میان بردن بنیه‌های مادی و معنوی ملت‌ها توانستند امروز پیش‌ران باشند. ایشان در این باره بر این باورند:

غربی‌ها پایه تمدن خودشان را با مکیدن خون ملت‌ها شروع کردند؛ بعد هم با پیشرفت‌های گوناگون، نه ظلم را در کشورهای خودشان برطرف کردند، نه تبعیض را برطرف کردند، نه جوامع فقیر را توانستند به بی‌نیازی برسانند. می‌بینید امروز هم وضع اقتصاد در این کشورها چه جوری است، وضع اجتماعی چه جوری است، وضع اخلاقی چه جوری است؛ این انحطاط اخلاقی، این لجنزار اخلاق جنسی در غرب. پیشرفت تمدن غربی، یک چنین پیشرفتی است با این خصوصیات؛ این را ما به هیچ‌وجه نمی‌پسندیم. ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم، که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد؛ یک الگوی مستقل (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار استادان دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۵).

تأکید ایشان بر این امر نیز قابل توجه می‌باشد که تمدن غرب در تلاش است آنچه را به وجود آورده است با ارباب فکری به‌عنوان تمدن نهایی بشر به پیش برد:

اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایلی که این تمدن اوج گرفته بود، یعنی از قرن نوزدهم میلادی، بحث معارضه سنت و مدرنیته را مطرح کردند؛ یعنی همه آنچه که این تمدن تقدیم بشریت می‌کند، چیزهای مدرن و نو و تازه و اجتناب‌ناپذیر و جذاب و خواستنی است و هر چه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشن فکری ما می‌بینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه فرهنگ‌ها را، همه تمدن‌ها را، همه زیرساخت‌های مدنی را، همه روابط انسانی و اجتماعی را، همه آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمی‌پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه قدرت مادی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌ای از یک سو، ابدی کند (بیانات امام خامنه‌ای در جمع استادان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

از سوی دیگر غرب برای چگونگی اصلاح خود از هر وسیله‌ای سود برد و توجه چندانی به نوع ابزار خود نداشت. به همین جهت برای آبادی خود، بسیاری دیگر از کشورها و ملت‌ها را غارت کرد و ویران ساخت و در برخی مناطق نیروی انسانی ایشان را به‌عنوان برده با ظلم و ستم با خود همراه ساخت. شیوع چنین نگاه اصلاح‌گرایانه‌ای در همه ابعاد ادامه پیدا کرد و سبب شد مفهوم خوشبختی تنها در آبادانی دنیا منحصر شود. گرچه در این مسیر پیشرفت‌های قابل توجهی صورت گرفت، در ابعاد نظری پوچ‌گرایی شیوع فراوانی در این نگاه تمدنی یافت.

تمایز تمدن نوین اسلامی و تمدن غرب

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معناست و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲۲).

توجه به داده‌های الهی در اسلام

به نظر می‌رسد طلوع انقلاب اسلامی در ایران و پیوند میان باورهای الهی این انقلاب با تمدن اصیل اسلامی استمرار قدرت این تمدن را افزایش داده است. براین اساس انقلاب اسلامی به دنبال احیای تمدن پیشین اسلامی و بازخوانی آموزه‌های وحیانی است. بنابراین می‌توان آن را تمدنی نوپا و زمینه‌ساز و تمدنی بسترساز برای تمدن مهدوی دانست که می‌تواند تمدن میانی به وجود آورد. باید دانست که باورمندان به انقلاب اسلامی اگر بخواهند به‌عنوان تمدن زمینه‌ساز برای تمدن بزرگ پسینی اسلام تلاش کنند، می‌باید متوجه ریشه وحیانی آن باشند؛ نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب بارها بدان اشاره داشته‌اند. یکی از متمایزات این دو تمدن تفاوت نگرش در نوع وام‌گیری از وحی می‌باشد. این مهم از آنجایی دارای اهمیت می‌باشد که بنیان‌های تمدن اسلامی به باورهای الهی تکیه دارد و یکی از

مهم‌ترین افتراق تمدن نوین اسلامی با هر تمدنی از جمله تمدن غرب، در تأثیرپذیری آن از تعالیم وحی (قرآن) است. از این رو چنین باورداشتی در تمدن سبب خواهد شد که رفتار سلطه‌جویانه با تمدن‌های فرودست صورت نگیرد. مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر این عامل مهم، یکی از تمایزات میان فرهنگ غرب و تمدن اسلام را جنبه سخت‌افزاری تمدن غرب می‌داند که تنها با عنصر خشونت توانست پیش‌ران شود، اما راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی تعالیم برگرفته از وحی است که هیچ‌گاه رفتاری همراه با خشونت را در برخورد با دیگران برای رسیدن به دنیای بهتر اجازه نخواهد داد:

در ایجاد تمدن اسلامی ملت باید اسلام و تعالیم پیامبر را اجرا کنند؛ تعالیمی که در جهت ساختن تمدن نوین اسلامی است و با اصول غرب برای بشریت متفاوت است و تمدن نوین به معنای اعمال زور و تصرف سرزمین‌ها و تحمیل اخلاق بر ملت‌ها نیست، بلکه به معنای نشان دادن اخلاق و رفتار و اصول صحیح زندگی است تا با انتخاب درست مسیر را بپیمایند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸).

ایشان پایه‌گذاری تمدن اسلامی را تنها در سایه باورمندی به وحی (قرآن) می‌دانند که یکی از نتایج آن، اخلاق متعالی می‌باشد و همین امر سبب شیفتگی دیگران به اسلام و محتوای برخاسته از آن خواهد شد. همچنین قرآن خود بارها بر استفاده و عبرت از دیگر اقوام و ملل پیشین تأکید دارد. بنابراین تعریف رهبر انقلاب از تمدن همسویی فراوانی با تأکیدات قرآنی در این زمینه دارد.

معنویت‌محوری در تمدن اسلام

رهبر معظم انقلاب نقصان در معنویت را یکی از پایه‌های مهم در سستی تمدن غرب می‌داند، که اسلام می‌تواند این مهم را جبران کند که البته منشأ آن در آزادی بر اساس امیال نفسانی نوع بشر است: «از این عواملی که نظام ارزشی غرب را و سلطه معنوی این نظام را متزلزل کرده، بحران روبه‌افزایش اخلاقی و معنوی در غرب است، که نشانه بارز آن رواج احساس پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم به‌خصوص در بین جوان‌ها در غرب است. قدرت غربی بر این دو پایه بود: پایه‌های اخلاقی و معنوی و

ارزشی، و پایه نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی. هر دو اینها متزلزل شده است. ما این واقعیت را باید درک کنیم.» ایشان همین امر را سبب گرایش به اسلام در غرب می‌دانند: «در بین جماعات گوناگون کشورهای غربی، میل به مذهب، علاقه به مذهب، به طور خاص علاقه به اسلام، گرایش به اسلام، گرایش به فهم قرآن روزبه‌روز بیشتر شده است؛ که این را کسانی که دست‌اندرکارند، به خوبی می‌دانند» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۹۳).

رهبر معظم انقلاب نبود معنویت در یک جامعه را تا آن اندازه خطرناک می‌دانند که سقوط یک تمدن را در پی خواهد داشت و سرانجام تمدن غرب را چنین می‌دانند:

شما جوان‌ها آن روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حسیض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. نتایج فعل و انفعالات تاریخی، سریع و زودرس نیست. شما بدانید وحشیگری اخلاقی جوامع مترقی و متمدنی که از معنویت بویی نبرده‌اند، روزبه‌روز بیشتر خواهد شد و همین وحشیگری لغزشگاه بزرگ تمدن غربی امروز است و آنها را سرنگون خواهد کرد. روزی این نتایج دیده خواهد شد که دیگر علاج‌پذیر نیست؛ و آن روز برای تمدن غربی فراخواهد رسید (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی در تاریخ ۲۲/۳/۱۳۸۳).

ایشان همچنین غایت پاک و طیبه در تمدن نوین را دستاورد بسیار ارزنده‌ای برای بشر می‌دانند و تأکید دارند که این رویکرد می‌تواند فضای دیگری را برای بشر بگشاید: «یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است: یک ملتی بتواند در مجموعه دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدیدی را جلو پای بشریت بگذارد. این یکی از اجزای حیات طیبه است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۶/۲۵/۱۳۹۴). از این رو یکی از مؤلفه‌های مهم از نگاه رهبر در کسب دانش، توجه به معنویت است و در این باره می‌فرمایند: علم بدون معنویت فاقد هرگونه

ارزشی است؛ چراکه علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است؛ تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها شد. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. برعکس، زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالایی هسته‌ای در قتل عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۰). کاملاً آشکار است که نبود این نگاه معنویت‌نگر در علم‌زایی سبب رفتاری وحشیانه با دیگران شده است؛ امری که به هیچ‌وجه مورد تأیید امنای اسلام نیست.

بنابراین تفاوت آشکاری در نوع پیشرفت در تمدن اسلام و غرب وجود خواهد داشت؛ چراکه رویکرد معرفت‌شناسانه به جهان هستی سبب خواهد شد در اسلام که با انگاره‌های وحیانی شکل گرفته تمدن متعالی شکل گیرد و در غرب که رویکردی دنیاگرایانه دارد تمدن مترقی شکل گیرد. بنابراین رهبر معظم انقلاب از وجوه مهم تمایز دو تمدن را در نوع پیشرفت آن دو تمدن می‌داند: «اگر بخواهیم هدف‌های ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را دربرگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت، منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت می‌کند. پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲). ایشان در تبیین این مهم چنین می‌فرمایند:

این را هم عرض بکنم: مدل توسعه را ما از غرب نمی‌گیریم. اولاً ما اسم این حرکت را پیشرفت می‌گذاریم، نه آن‌چنان که آنها اسم‌گذاری می‌کنند «رشد و توسعه». مدل پیشرفت کشور را ما از غرب نمی‌گیریم. غربی‌ها خودشان به خاطر این روش و این مدل، خودشان را بدبخت کرده‌اند، مشکلات فراوانی برای خودشان درست کرده‌اند. زرق و برق هست، اما باطن و درون پوسیده و روبه‌فساد است. از آنها ما نمی‌گیریم (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۲).

عدالت‌محوری

همچنین ایشان با تبیین عدالت به‌عنوان یکی دیگر از تفاوت‌های ماهوی دو تمدن، به ویژگی و وجه افتراق آن اشاره دارند. ایشان با تبیین این مهم (عدالت) به‌عنوان عنصر اصلی در فرایند حکومت جهانی، آن را یکی از نیارمندی‌های اصلی بشر می‌دانند که در طول تاریخ به دنبال آن بوده است و آن را یکی از اهداف ساخت تمدنی می‌دانند:

عدالت دغدغه همیشگی و تاریخی بشر بوده. به تبع احساس نیاز به عدالت که در طول تاریخ تا امروز در مردم عمومیت داشته، متفکران بشر، فیلسوفان و حکما در این مقوله وارد شدند و دغدغه آنها بوده است. بنابراین از قدیم‌ترین دوران‌های تاریخ تا امروز درباره عدالت و عدالت اجتماعی به همین معنای عام بحث شده، نظریه داده شده؛ لیکن نقش ادیان استثنایی است؛ یعنی آنچه که ادیان در طول زمان راجع به عدالت گفتند و خواستند و اهتمام کردند، بی‌نظیر و استثنایی است. در نظرات حکما و اندیشمندان، آن اهتمام ادیان مطلقاً مشاهده نمی‌شود. اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» قطعاً این آیه حکم می‌کند بر اینکه هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بینات - یعنی حجت‌های متقن و غیرقابل تردیدی که پیغمبران ارائه می‌دهند، کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات، میزان، یعنی آن سنجه‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است: «لیقوم الناس بالقسط». هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد. این مخصوص ادیان است (بیانات امام خامنه‌ای در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷).

گرچه ایشان عدالت را یکی از اهداف تمدنی می‌دانند، آن را هدف نهایی از ساخت تمدن نوین اسلامی و مهدوی نمی‌دانند، بلکه عبودیت به خداوند سبحان را سرانجام همه تلاش‌های تمدنی اسلام می‌دانند که در حکومت امام عصر علیه السلام تجلی نهایی خواهد یافت. ایشان می‌فرمایند: «همه چیز مقدمه است: جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که "لیقوم الناس بالقسط" - که به‌عنوان هدف انبیا

ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است» (بیانات امام خامنه‌ای در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰).

فرجام نیک

از دیگر وجوه تمایز دو تمدن مذکور، هدف و فرجام آن دو تمدن است. همان‌طور که بیان شد، تمدن پیشین اسلامی پس از استقرار داده‌های وحیانی آن، به تدریج به وجود آمد و چند سده به درازا نیز کشید و تنها زمانی شکوفایی آن تمدن کم‌رنگ شد که با شاخصه‌های اصلی و مبانی تمدن اسلام فاصله گرفت؛ گرچه باید تأکید کرد که در تمام چند سده استیلای مسلمانان بر تمدن‌های رقیب زمان خویش، هیچ‌گاه مفاهیم اصلی اسلام به‌تمامه ظهور نیافت و تنها توجه اندکی به این مبانی سبب شکوفایی تمدن مسلمانان شد. این امر، تنها در حکومت امام مهدی علیه السلام تجلی واقعی خویش را خواهد یافت. به هر تقدیر این فرایند در مبانی تمدن نوپای اسلام در دوره پیشین و پسین اسلامی تفاوت ماهوی نخواهد داشت.

در این میان که شیعیان در حال انتظار و گذار از بازسازی تمدنی نوین به تمدن نهایی (تمدن مهدوی) هستند، شایسته بیان است که انتظار در برخی دوره‌های تاریخ شیعیان (پس از حضور امامان خویش) اثرگذار بوده و بازتاب اجتماعی داشته است. عمده بازتاب این نگاه در بخش‌های مختلف تاریخ شیعه دیده می‌شود؛ به طوری که در نقل‌های مرتبط با برخی از سنت‌های محلی (ابن بطوطه، ۱۳۴۸، ج ۱: ۴۳۴) و برخی دولت‌های شیعی نمود خارجی داشته است (عبدالرفیع، ۱۳۶۰: ۲۲۸). عنصر انتظار حتی بر آثار مکتوب علمی شیعه اثرگذار شد؛ به طوری که آثار زیادی در این باره و عنوان‌های مرتبط با مهدویت تدوین شد (عرفان، ۱۳۹۲: ۱۴۸). بنابراین در حال حاضر در شرایط انتظار به‌سر می‌بریم. رهبر معظم انقلاب در ادامه مسیر انقلاب اسلامی ایران را در مرحله قبل از ظهور و انتظار می‌داند که برای نزدیک شدن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام باید در حالت انتظار نیز به تکاپو مشغول باشند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

آیت‌الله خامنه‌ای هدف از تشکیل حکومت اسلامی در ایران را در این امر می‌داند که

اصلاح دنیا و آخرت هر دو صورت گیرد. رهبر انقلاب با تشخیص این وجه تمایز، به تبیین آن پرداخته‌اند:

هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم، آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف ایجاد یک جامعه نمونه است. شما می‌خواهید در محدوده ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفت‌های مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق. غربی‌ها در زمینه مادی یک جستی زدند، در یک دورانی جهشی کردند؛ اما این جهش جدا و مباین و معارض با حرکت اخلاقی بود؛ یک جهش صددرصد مادی بود. اول کسی نفهمید چه اتفاقی افتاد، اما حالا دارند می‌فهمند، دارند خسارت‌های غیرقابل جبران آن را یواش‌یواش احساس می‌کنند. کسی خیال نکند یک تمدن مادی محض و دور از معنویت خواهد توانست آب خوش از گلوی مردم خود فروببرد. نخیر. پدرشان درمی‌آید؛ همین حالا دارد پدرشان درمی‌آید؛ نه به خاطر این تظاهرات در خیابان‌های اروپا و مانند اینها؛ نه. گرفتاری برای غرب عمیق‌تر از این حرف‌هاست. آنچه برای بشر در درجه اول لازم است، امنیت روحی است، امنیت اخلاقی است، امنیت وجدانی است، رضایت وجدان است. در محیط‌های غربی این نیست و بدتر از این خواهد شد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷).

شاید به همین جهت است که رهبر معظم انقلاب تأکید فراوانی بر بازشناخت هویتی دارند؛ به طوری که به بحث جدال هویتی غرب و اسلام چنین اشاره کرده‌اند: «انکار هویت اسلامی ملت مبارز و قهرمان ایران و منزوی کردن جمهوری اسلامی مهم‌ترین هدف هجوم مستمر جبهه استکبار است.» ایشان غرب‌باوری را نیز از عناصر مهم وادادگی می‌دانند که سبب بی‌هویتی جوامع مسلمان خواهد شد:

تبعیت از فرهنگ غرب و فریفتگان به زرق و برق: افرادی به دنبال تبعیت از غرب در تمام عرصه‌های فرهنگی و زندگی هستند. این افراد فکر می‌کنند با تبعیت از غرب می‌توانند موجبات رشد خود را فراهم کنند و این تفکر بسیار ساده‌لوحانه و کوتاه‌بین

است. تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به‌بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به‌ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند. تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی. اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

به نظر می‌رسد با گذشت زمان، تمدن غرب در مقابل تمدن نوین اسلامی و نهایتاً تمدن مهدوی به تدریج از میان خواهد رفت؛ امری که بی‌گمان امروزه بیش و کم نشانه‌های آن بیشتر به جهت فرسودگی تمدن غرب آشکار می‌شود؛ پدیده‌ای که در دفعات مختلف رهبر معظم چنین به آن اشاره داشته‌اند:

یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ماست. بنده به طور قاطع می‌گویم - البته یک عده‌ای فوراً بنا می‌کنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را می‌گویم، می‌توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است؛ یعنی واقعاً در حال زوال است: «عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَاَنْهَارٌ بِهِ؛ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ.» لب‌گودال است؛ این جوری است. البته حوادث و تحولات جوامع به تدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ماست. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱).

نتیجه‌گیری

در باور آیت‌الله خامنه‌ای مبانی تمدن نوین اسلامی و غایات آن با تمدن غرب در تعارض آشکار است. باورداشت به خداوند سبحان به جای نگرش مادی‌گرایانه، توجه به علم و

دانش سودمند برای بشر اما همراه با اخلاق الهی، و توجه به تعالی به جای تنها ترقی، از نقاط جدایی مبانی دو تمدن اسلام و غرب است که در نهایت در هدف غایت‌محور خود را نشان خواهد داد. ایشان بر این باورند که تجلی نهایی تمدن اسلام در دوره امام مهدی علیه السلام تجلی خواهد یافت، که باید به تلاشی گسترده در این زمینه همت گماشت، که در نهایت به استقرار کامل عدالت و رفاه و آسودگی بشر در گیتی منتهی خواهد شد، و سرانجام بشر در سایه آن تمدن عظیم می‌تواند به عبودیت خداوند متعال با رغبت گردن نهد و سیر آن تمدن الی الله خواهد بود که همان هدف از خلقت هستی می‌باشد و تمدن نوین اسلامی (مهدوی) که بر اساس باورهای وحیانی شکل یافته و ریشه فرجام خویش را در خداوند متعال می‌داند به راه خویش ادامه خواهد داد و دیگر سقوطی در آن نخواهد بود و آن سیر تمدنی همچنان ادامه خواهد داشت.

با توجه فرمایش‌های رهبر، باورمندان به انقلاب اسلامی اگر بخواهند به‌عنوان تمدن زمینه‌ساز برای تمدن بزرگ پسینی اسلام در غالب حکومت مهدوی علیه السلام تلاش کنند، می‌باید متوجه ریشه وحیانی آن باشند. در غیر این صورت، راه رفته غرب را در بهترین شرایط تکرار خواهند کرد و تفاوت با دیگران نخواهند داشت.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر التوزیع، دار صادر.

بیانات امام خامنه‌ای، دسترسی در سایت: www.farsi.khamenei.ir

بیگدلی، علی (۱۳۷۷). نظریه‌پردازی اندیشمندان غربی در حوزه تمدن: چپستی گفت‌وگویی تمدن‌ها، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

واکاوی تمایز غایت‌گرایانه تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب / مجید احمدی کچایی ۵۱

حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۶). تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.

عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۲). نقش باورداشت مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.

فوزی، یحیی و محمودرضا صنم‌زاده (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ع)»، تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، س ۳، ش ۹، زمستان، ص ۷-۴۰.

معین، محمد (۱۳۶۵). فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه نشر و آثار امام خمینی (ع).